

محمد عبدالرئوف سلیم\*

صلاح الدین گچی\*\*

### چکیده

چگونگی مهاجرت یهودیان به فلسطین و تلاش برای اشغال این سرزمین و نیز سیاست‌های قدرتهای بزرگ آن زمان، به ویژه انگلیس، از جمله موضوعات مهمی است که همچنان در کانون توجه پژوهشگران تاریخ سیاسی خاورمیانه قرار دارد. نویسنده این مطلب با بررسی داده‌های مختلف تاریخی، نشان داده است که چگونه آژانس یهود با جلب حمایت برخی از سیاستمداران انگلیسی، فضا سازی و نیز بهره گیری از ابهامات قانونی، یهودیان را به مهاجرت تشویق می کرد و از این طریق می کوشید که ترکیب جمعیتی این سرزمین را به هم بزند. آژانس در این زمینه تا بدانجا پیش رفت که به سازماندهی مهاجرت غیرقانونی نیز پرداخت و هم زمان گروههای افراطی یهودی در داخل فلسطین را مسلح کرد. به رغم واکنشهایی که از سوی ساکنان فلسطین و نیز دولت قیمومت انجام گرفت، نتیجه نهایی به سود آژانس یهود رقم خورد و فرآیند یهودی کردن فلسطین با سرعت به پیش رفت.

کلیدواژه‌ها: فلسطین، خاورمیانه، صهیونیسم، مهاجرت، کتاب سفید ۱۹۳۹

\* محمد عبدالرئوف سلیم، نشاط الوكالة اليهودية لفلسطين: منذ انشائها وحتى قيام دولة اسرائيل ۱۹۹۲-۱۹۴۸، بیروت:

المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ۱۹۸۲.

\*\* مترجم و کارشناس مسایل خاورمیانه

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۴ و ۱، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶، صص ۱۶۴-۱۳۹

در ۱۷ مه ۱۹۳۹، دولت انگلیس با صدور بیانیه ای که به نام «کتاب سفید سال ۱۹۳۹» معروف شد، طرح خود را در فلسطین تبیین کرد. دولت انگلیس در این بیانیه ابعاد مسئله مهاجرت را بررسی کرد و خاطر نشان ساخت که نمی تواند دروازه های فلسطین را در برابر مهاجران یهودی کاملاً بگشاید؛ زیرا این امر با مفاد ماده ۲۲ منشور جامعه ملل و تعهدات روشن مترتب بر آن در برابر عرب ها به موجب سند قیمومت مغایرت دارد، ضمن آنکه درصدد توقف نهایی مهاجرت نیست، چون صاحب نظران به خوبی پی برده اند که این امر به اوضاع اقتصادی و مالی فلسطین زیان می رساند و در نتیجه پیامدهای ناگوار یکسانی بر منافع عرب ها و یهودی ها دارد. از آنجا که دولت انگلیس مشکل انبوه یهودی های برخی کشورهای اروپایی را که در پی یافتن پناهگاه هستند درک می کند، تصمیم گرفته است که طی پنج سال پس از صدور این اعلامیه، مجوز مهاجرت یهودی ها به تعدادی صادر شود که جمعیت یهودی ها در فلسطین از حدود یک سوم جمعیت کشور فراتر نرود، به شرط آنکه قدرت کشور اجازه جذب این تعداد را بدهد و همچنین افزایش طبیعی پیش بینی شده جمعیت عرب ها و یهودی ها و تعداد مهاجران غیرقانونی در نظر گرفته شود.

در این باره، دولت پی برده است که وضعیت اقتصادی فلسطین به گونه ای است که پذیرش حدود ۷۵۰۰۰ مهاجر یهودی را در طی پنج سال بعدی، از اول آوریل ۱۹۳۹، می دهد، به شرط آنکه ورود آنان بر اساس توانایی کشور به جذب مهاجران باشد که این رقم سالانه ۱۰۰۰۰ مهاجر مشخص شده و ۲۵۰۰۰ تن که در چارچوب شرکت در حل مشکل آوارگان یهودی پس از متقاعد شدن کمیسر عالی (انگلیس در فلسطین) به اینکه راههای امرار معاش و جذبشان در فلسطین فراهم می شود، به فلسطین مهاجرت می کنند. پس از گذشت این مدت، اجازه مهاجرت یهودی های دیگری داده نمی شود، مگر اینکه عرب های فلسطین آماده پذیرش آنان باشند.<sup>۱</sup> این تصمیم هم سو با اهداف آژانس یهود نبود؛ زیرا جمعیت یهودی ها در فلسطین را فقط به یک سوم جمعیت محدود می ساخت. به بیان دیگر، عرب ها همچنان اکثریت جمعیت را تشکیل می دادند. به همین علت و برخی دلایل دیگر، صهیونیست ها به شدت با کتاب سفید سال ۱۹۳۹ مخالفت کردند. در همان روز تقدیم کتاب

سفید به مجلس عوام انگلیس (۲۲ مه ۱۹۳۹)، وایزمن با چرچیل ملاقات کرد و در مورد مخالفت با کتاب سفید به توافق رسیدند. وایزمن همچنین با برخی دوستان انگلیسی خود از جمله لئوپولد ایمری، لرد لوتین و هالیکس در مورد کتاب سفید دیدار و گفتگو کرد. وزیر مستعمرات انگلیس در هنگام تقدیم کتاب سفید به مجلس عوام تاکید کرد که سیاست کتاب سفید با ضمانت‌های ارایه شده به یهودی‌ها و عرب‌ها هم‌سویی دارد و به منافع کشورش در منطقه نیز توجه کرده است. در مجلس عوام، بعضی نمایندگان از حقوق عرب‌ها دفاع کردند، اما تعداد نمایندگان مخالف کتاب سفید که عضو حزب کارگر بودند، بیشتر بود. به علاوه، برخی نمایندگان صهیونیست، مانند چرچیل و ایمری به مفاد کتاب سفید حمله کردند. در این باره، ایمری تاکید کرد که کتاب سفید نشان‌دهنده انکار اصولی است که سازمان اداری انگلیس در فلسطین بر آنها استوار شده است. هربرت سیمون، دوست وایزمن و یکی از اعضای بلندپایه حزب کارگر، دولت انگلیس را به شانه خالی کردن از مسئله فلسطین متهم ساخت. چرچیل نیز سؤال کرد: پنج سال بعد که دولت انگلیس این موطن را به عمد در برابر یهودی‌های جهان ببندد، انگلیسی‌ها به منظور اجرای مفاد اعلامیه بالفور و سند قیمومت چه کمکی در اختیار یهودی‌های جهان قرار خواهند داد؟ ایمری خواستار آن شد که مسئله کتاب سفید پیش از رأی‌گیری در مجلس، به کمیسیون دایمی قیمومتها ارجاع شود. وی دولت را به ضعف، ورشکستگی و عقب‌نشینی در برابر (مبارزان) عرب فلسطینی متهم ساخت و پیش‌بینی کرد این موضع‌گیری تأثیری نامطلوب بر دوستان انگلیس در ایالات متحده خواهد داشت. با این همه، مجلس کتاب سفید را با اکثریت ۲۶۸ رأی موافق در برابر ۱۷۹ رأی مخالف و ۱۰۹ رأی ممتنع تصویب کرد. آژانس یهود در مخالفت خود به این نظریه استناد کرد که «قیمومت، انتخابی بین المللی و به موجب آن کشور قیم متولی تحقق هدف اساسی نمایان در تشکیل موطن ملی یهود در فلسطین شده است. روش‌های تحقق این هدف مهاجرت و اسکان یهودی‌هاست.» در سند قیمومت هرگز محدود ساختن مهاجرت یا اسکان مطرح نشده و همچنین شرط تأمین حضور اکثریت عرب‌ها یا قراردادن اقلیت یهودی‌ها در چارچوبی تنگ وجود نداشته است، برعکس، عزم آشکاری در مورد رشد نامحدود مهاجرت یهودی‌ها به چشم

می خورد که ممکن است به برپایی یک کامنولث بینجامد که جمعیت یهودی ها اکثریت آن را تشکیل دهند. این تعهدات بین المللی، بوده و فقط شامل یهودی های فلسطین که در آغاز قیمومت اقلیت را تشکیل می دادند، نمی شود، بلکه تعهداتی است که به یهودی های جهان اعطا شده و متضمن اعتراف جهان به موجودیت ملت یهود و پیوند تاریخی آن با فلسطین است. به این ترتیب، زیربنای تشکیل موطن ملی یهود از اتفاق بین المللی برخوردار است. از زمان تصویب این تعهدات تغییراتی روی نداده و اکثریت عرب ها هنگام صدور تعهدات بین المللی یادشده، موجودیتی ملموس در جهان بوده اند، در حالی که یهودی ها امید خود را بر اعتماد کردن به آن تعهدات بین المللی مبتنی ساخته و راهی برای دست برداشتن از آنها ندارند. «همان گونه که سند قیمومت - که در مقدمه خود شامل اعلامیه بالفور است - اهرمی بین المللی شمرده می شود که به موجب آن انگلیس بر فلسطین حکومت می راند، پس دعوی دولت بریتانیا در حق عرب ها در اعتراض کردن به مهاجرت یهودی ها، استملاک زمین توسط یهودی ها و ایجاد پیشرفت در کشور مسایلی است که در سازندگی موطن ملی یهود جای ندارد.» آژانس یهود سیاست انگلیس مندرج در کتاب سفید را محکوم کرد؛ زیرا سران آژانس یهود عقیده داشتند که این کتاب نوعی مدیریت وضعیت موجود است و با برخی موازین سیاسی در زمینه خودداری عرب ها از پذیرش مشروعیت اعلامیه بالفور مردود می شود. «پس این سیاست با مفاد سند قیمومت مغایرت دارد.»<sup>۲</sup>

فردای روز اعلام کتاب سفید سال ۱۹۳۹، آژانس یهود در بیانیه ای اعلام کرد که «یهودی ها با بستن دروازه های فلسطین مخالفند و با رایه دلایل محکم تصمیم قاطع در پیشبرد سازندگی موطن ملی خود دارند و اجازه نمی دهند که این موطن به یک گتو تبدیل شود، و آنان سیاست کتاب سفید را تسلیم در برابر (مبارزان) عرب می دانند.» از این رو، آژانس یهود دست به فعال نمودن مهاجرت غیرقانونی زد. مهاجرت غیرقانونی، روش آژانس یهود برای انتقال شماری از یهودی ها افزون بر تعداد مجاز تعیین شده از سوی دولت قیمومت بود. در حالی که آژانس یهود این مهاجرت را به طور مخفی تشویق می کرد، در ظاهر داشتن هرگونه نقشی در این اقدام را انکار می نمود، ضمن آنکه مدعی می شد که مهاجرت غیرقانونی

همواره از سوی عرب ها انجام می شود. آمار سال ۱۹۳۱ نشان می داد که تا ۱۸ نوامبر ۱۹۳۱، از جمعیت ۱۰۳۵۸۲۱ نفری فلسطین با احتساب بادیه نشینان، تعداد جمعیت یهودی ها ۱۷۴۶۱۰ نفر بود. با وجود این، آژانس یهود ادعا کرد که این رقم کمتر از رقم واقعی است و آن را معلول گنجاندن مهاجران ثبت نشده در آمار دانست. آژانس مدعی شد که بیشتر مهاجران عرب هستند، هرچند بعضی یهودی ها نیز در میان این مهاجران وجود دارند.<sup>۳</sup>

دولت انگلیس در گزارشی در سال ۱۹۳۳ تا کید کرد که میزان مهاجرت غیرقانونی افزایش یافته و اغلب مهاجران غیرقانونی از یهودی ها بوده اند که به عنوان مسافر ترانزیتی یا جهانگرد وارد فلسطین شده و پس از پایان مدت اقامت مجاز در کشور مانده یا یهودی هایی که به طور غیرقانونی از مرزهای شمالی و شرقی وارد کشور شده اند.<sup>۴</sup> گزارش سال دولت انگلیس به شورای جامعه ملل درباره اداره کردن فلسطین تصریح داشت که مسئولان قیومیت توجه ویژه ای به موضوع اسکان غیرقانونی که اغلب یهودی ها اقدام به آن کرده، نشان داده اند. هرچند رفاه جامعه ایجاب کرده است که مهاجرت تابع نیازهای اقتصادی کشور شود و کیفیت همانند کمیت مد نظر قرار گیرد، اسکان غیرقانونی نه تابع کمیت بوده است و نه تابع کیفیت. به همین علت، حضور این افراد سبب به هم خوردن استاندارد تناسب صنفی جامعه شده است.<sup>۵</sup> آژانس یهود در گزارشی اعتراف کرد که موانع وضع شده توسط دولت قیومیت به منظور محدود ساختن مهاجرت یهودی ها به فلسطین، هزاران یهودی را که نمی توانستند در انتظار دریافت مجوز رسمی مهاجرت بمانند، وادار کرد که در جستجوی هر وسیله برای مهاجرت به فلسطین شوند، حتی اگر از راه غیرقانونی باشد.<sup>۶</sup>

کمیسیون سلطنتی در امور فلسطین در سال ۱۹۳۶، مسئله مهاجرت مخفی را مورد بحث و بررسی قرار داد. یک عضو این کمیسیون (هوراس) از موشه شرتوک، رئیس اداره سیاسی آژانس یهود، پرسید: آیا به هنگام شهادت در این کمیسیون، آن ۱۰۰۰۰ یهودی را که به طور غیرقانونی به کشور آمده و ماندگار شده اند، مورد نظر قرار داده است یا نه؟ شرتوک گفت: «مادام که جذب آنان موجب بیکاری نشده، این امر نشان می دهد که فهرست رسمی مهاجرت در مورد برآورد قدرت جذب کشور اندک است.»<sup>۷</sup> با وجود این، اگرچه آژانس یهود در

ظاهر مهاجرت غیرقانونی را محکوم کرد، موشه شرتوک مدعی شد که وقوع آن از فشار شرایط نشأت گرفته است. یک یهودی به ماندن بدون مجوز در فلسطین متوسل می شود؛ زیرا پی به کمبود آشکار کارگران برده و همچنین آنجا را فرصتی برای رهایی از بینوایی یافته است که وی در کشورهای دیگر از آن رنج می برد. لرد پیل، رییس کمیسیون، توضیح داد که آژانس یهود یک نهاد رسمی یهودی است و موقعیت ویژه ای در سند قیمومت دارد، پس آژانس متعهد است به دولت کمک کند و با آن همکاری نماید. آژانس موظف به یاری دادن پلیس فلسطین به منظور اجرای قانون در مورد مهاجران غیرقانونی است، در حالی که چنین به نظر می رسد که گویا برای مهاجرت غیرقانونی بهانه تراشی می کند. شرتوک گفت: «دولت در این باره خواستار کمک نشده است، اما آژانس از طریق دفاتر فلسطین در خارج، هشدارهایی داده است.» با این همه، شرتوک پس از آنکه اعضای کمیسیون عرصه را بر وی تنگ کردند. تاکید کرد که منطقی نیست آژانس اطلاعیه هایی صادر کند که به اخراج قهرآمیز مهاجران غیرقانونی بینجامد.<sup>۸</sup> در گزارش کمیسیون سلطنتی آمده بود که مهاجرت غیرقانونی هم گام با مهاجرت قانونی بوده و راههای آن عبارت است از:

الف. رخنه از طریق احتراز از مراکز کنترل مرزی؛

ب. ماندن مسافر یا جهانگرد پس از پایان یافتن مدت زمان مجاز؛ و

ج. ازدواج زنان بیگانه با شهروندان یهودی فلسطینی یا با افرادی که مقیم دائمی فلسطین هستند، اما تبعه فلسطین نیستند.

اعضای کمیسیون پیل متوجه شدند که در سالهای ۳۴ - ۱۹۳۳، مهاجرت غیرقانونی یکی از پدیده های چشمگیر بوده است. به عبارت دیگر، در سالهایی شاهد افزایش جهشی میانگین مهاجرت یهودی ها به فلسطین بود، به طوری که در این سالها تعداد مهاجران غیرقانونی به ترتیب به ۲۲۴۰۰ و ۱۷۹۰۰ تن رسید. مهاجران غیرقانونی از طریق سوریه، شرق رود اردن و مصر از مرز فلسطین می گذشتند، یا به وسیله کشتیهایی ویژه به سواحل فلسطین می رسیدند و در آن جا با کمک هم کیشان خود شبانه در ساحل پیاپی می شدند. شخصیت های فلسطینی دولت فلسطین را متهم ساختند که در مبارزه با مهاجرت غیرقانونی

تعلل می کند و روشهایی موثر برای توقف آن به کار نمی برد. این امر مردم فلسطین را به تلاش برای حراست از مرزها و سواحل و دستگیری مهاجران غیرقانونی و تحویل آنان به مقامات مسئول واداشت. این حرکت در چارچوب تصمیم کمیته اجرایی کنگره جوانان عرب فلسطین در جلسه ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۴ در زمینه اقدام کمیته نگهبانی از سواحل و مرزها به حراست مداوم به منظور مبارزه با مهاجرت غیرقانونی یهودی ها صورت گرفت.

۱۰ روز پس از این تاریخ، تصمیم یادشده با نگهبانی کردن از مرز هم جوار سوریه و همچنین سواحل فلسطین از مرز مشترک با لبنان در شمال تا غزه در جنوب اجرا شد. گروههای پیشاهنگی مامور اجرای این مهم شدند و توانستند شماری از مهاجران غیرقانونی را در مناطق الحوله، حيفا، عکا و مجدل دستگیر کنند. بدیهی بود که آژانس یهود به اهمیت استحکام نظام کمیته نگهبانی سواحل و مرزها و همچنین گسترش حوزه فعالیت این کمیته پی برد و مصمم شود که این فعالیت نوبنیاد مردمی را نابود سازد. در ۷ اوت ۱۹۳۴، یک گروه پیشاهنگی عرب شامل ۱۰ جوان که برای انجام ماموریت محوله در نزدیکی شهرک یهودی نشین ناتانیا مستقر شده بودند، مورد حمله مسلحانه ناگهانی یهودی ها قرار گرفتند. در اثر این حمله، ۸ تن از پیشاهنگان زخمی شدند. به این ترتیب، آن تلاش ساده مردمی برای مقابله با پافشاری یهودی ها در تداوم مهاجرت غیرقانونی از میان رفت؛ زیرا دولت قیمومت تلاشی جدی برای شناسایی و بازداشت مهاجمان انجام نداد و به صدور اطلاعیه ای متضمن توافق کمیسر عالی انگلیس در فلسطین و وزیر مستعمرات انگلیس در اتخاذ اقدامات لازم به منظور حمایت از مرزهای فلسطین و توقف مهاجرت غیرقانونی از طریق دریا و زمین بسنده کرد. دولت فلسطین در اطلاعیه خود با اشاره به اینکه قوانین فلسطین افراد عادی و سازمانهای غیردولتی را مجاز به دستگیری مهاجران غیرقانونی ننموده، تاکید کرد که چنین تلاشهایی هرچند هم با حسن نیت باشند و هدف از آنها یاری دادن پلیس فلسطین باشد، بی تردید متضمن اشکال تراشی است و باعث برهم زدن امنیت می شود. این اطلاعیه به کسانی که به چنین اقداماتی دست می زدند، هشدار داد که به موجب قانون منع جنایت، بازداشت و مجازات می شوند.<sup>۹</sup> زنان یهودی که قانون مهاجرت اجازه سکونت در فلسطین را

به آنان نمی داد، از راه ازدواج با یهودی های فلسطینی یا افراد مقیم دایمی در فلسطین و غیرتبعه فلسطین در کشور می ماندند. این ازدواج صوری در داخل فلسطین یا خارج از آن صورت می گرفت، به طوری که زن به عنوان مسافر یا جهانگرد وارد کشور می شد، سپس عقد ازدواج وی پیش از پایان مدت مجاز اقامت انجام می گرفت. آنگاه وی می توانست در کشور بماند؛ زیرا قانون سال ۱۹۲۵ ثبت احوال فلسطین، همسر مرد فلسطینی را تبعه فلسطین می دانست. هنگامی که این دسته از زنان در خارج از فلسطین به سر می بردند، درباره ازدواج آنان توافق می شد. تعداد موارد ازدواج صوری افزایش طلاق را در میان یهودی ها به دنبال داشت، به گونه ای که نسبت طلاق به ازدواج به ۴۰ درصد رسید.

همچنین اعضای کمیسیون پیل پی بردند گروهی از یهودی ها وجود دارند که شوهران حرفه ای نامیده می شدند و در برابر دریافت مزدی مشخص بارها به طور صوری ازدواج کرده بودند. کمیسیون پیل برای مقابله با مشکل مهاجرت غیرقانونی، پیشنهاد کرد که اقدامات زیر انجام شود:

الف. چشم پوشی از مهاجران غیرقانونی مقیم فلسطین در زمان تحقیق کمیسیون و مهاجر شمردن آنان؛

ب. اجرای نظام کارت شناسایی؛

ج. تشکیل یگان ویژه نگهبانی از مرزها؛

د. فعال کردن نظام اداره آگاهی و دادن تابعیت به زن جدا از شوهرش.

با اعلام کتاب سفید سال ۱۹۳۹، آژانس یهود به طور مستقیم بر مهاجرت غیرقانونی نظارت کرد. همچنین تروریستهای یهودی در هدایت این مهاجرت همکاری نمودند. بن گوریون در کمیسیون انگلیس و آمریکا گفت که «درباره شکایت از سیاست دولت در مورد مهاجرت و دفاع از مهاجرت غیرقانونی ناشی از این سیاست، دو دلیل وجود دارد: اول، کشوری جز فلسطین مهاجران یهودی را نمی پذیرد؛ دوم، مهاجرت یهودی ها به فلسطین از سال ۱۹۳۵ که ۶۱۰۰۰ نفر مهاجرت کرده بودند، شدیدترین اعتراض از سوی مردم فلسطین را به دنبال داشت.» بن گوریون بر این باور بود که چنانچه مهاجرت یهودی ها به

فلسطین از شناسایی بین المللی که در سند قیمومت گنجانده شده بود، برخوردار نمی شد، کشور قیم ملزم به اجرای اصل تسهیل مهاجرت یهودی ها به فلسطین نبود، نخستین دلیل را می توان چنین درک کرد که فلسطین به هر کشوری دیگر که ممکن است یهودی ها به آن جا مهاجرت کنند، شباهت دارد. وی عقیده داشت که دومین دلیل مشکل یهودی ها را دوباره مطرح می کند و از حل آن دور می شود. این درست است که مهاجرت یهودی ها به فلسطین اعتراض عرب ها را برانگیخت، آن هم نه تنها در سال ۱۹۳۵، بلکه عرب ها در سالهای ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۳، ۱۹۲۹، ۱۹۳۳، ۱۹۳۶ و ۱۹۳۹ که کتاب سفید اعلام شده و یهودی ها به شدت با آن مخالفت کردند، اعتراضات خشونت آمیزی از خود نشان دادند. با وجود این، بن گوریون عقیده داشت که اگر دولت انگلیس به اعتراض یهودی ها توجه نکند و راه تسلیم به اعتراض عرب ها را که با خشونت پشتیبانی می شد برگزیند، هر چند این اقدام با سند قیمومت مغایرت دارد، در این صورت بیهوده است که توجیه این موضع را در قوانین مصوب جستجو نماید.<sup>۱۰</sup>

برودتسکی از مسئولان آژانس یهود تاکید کرد که مشکل فقط در علاقه مندی به خشک نکردن چشمه مهاجرت یهودی ها نهفته است. پس مهم ترین عامل برای صهیونیست ها این است که تعداد جمعیت یهودی های فلسطین در هر شرایطی با بیشترین سرعت ممکن افزایش یابد. شگفت آور است که وقتی تعداد یهودی های فلسطین در سال ۱۹۳۰ به حدود ۱۶۰۰۰۰ نفر رسیده، این پرسش در محافل دست اندرکار فعالیت آژانس مطرح شده بود که اگر تعداد آنان به ۳۵۰۰۰۰ نفر برسد، وضع چگونه خواهد شد؟ اکنون که شمار یهودی های فلسطین از ۳۵۰۰۰۰ نفر فراتر رفته است، اگر این رقم به ۷۰۰۰۰۰ یا یک میلیون نفر برسد، وضع چگونه خواهد شد؟ چنین پرسشی بی مورد است؛ زیرا تا وقتی افراد خواهان مهاجرت به فلسطین وجود داشته باشند، تحول ادامه دارد.<sup>۱۱</sup>

سازمان جهانی صهیونیسم نیز چند فروند کشتی را که در بنادر مدیترانه تردد می کردند به این امر اختصاص داد، به طوری که مهاجران یهودی در دریا به وسیله قایقهای کوچک به سواحل فلسطین برده می شدند و نمایندگان آژانس یهود آنان را تحویل می گرفتند و

به مناطق مورد نظر معرفی می کردند.<sup>۱۲</sup> یونان، رومانی و بلغارستان کشورهای اصلی انتقال مهاجران غیرقانونی به فلسطین از طریق دریا بودند. با آغاز جنگ جهانی دوم، وضع تغییر یافت و ایتالیا جای بلغارستان و یونان را گرفت. اوضاع یهودی‌های شرق و میانه اروپا نیز تغییر کرد؛ زیرا این مناطق توسط آلمان اشغال شد و مقامات آلمانی مقررات سخت گیرانه‌ای در مورد سفر به بخشهایی مشخص در شرق اروپا اجرا کردند. به همین خاطر، تلاشهایی فوری برای انتقال یهودی‌های آواره از آلمان، اتریش و دیگر کشورهای اروپا انجام شد و در همان حال، تلاشهایی مشابه در کشورهای بالکان به منظور عزیمت به سواحل یونان صورت گرفت.<sup>۱۳</sup> دولت قیمومت تعداد مهاجران غیرقانونی یهودی تا آوریل ۱۹۳۹ را ۴۰ - ۳۰ هزار نفر تخمین زد.<sup>۱۴</sup> به همین علت، مسئولان قیمومت احساس کردند که فعالیت ویژه مبارزه با مهاجرت غیرقانونی را به وسیله کنترل سواحل فلسطین افزایش دهند. آنان پی بردند که چند کشتی حامل مهاجران غیرقانونی به سواحل فلسطین نزدیک شده‌اند؛ از جمله یک فروند کشتی یونانی که در آوریل ۱۹۳۹ با ۲۱۸ مهاجر غیرقانونی یهودی به ساحل غزه رسید.<sup>۱۵</sup> به علاوه، در اوت همین سال ۹۰۰-۸۰۰ مهاجر غیرقانونی با یک فروند کشتی دیگر در بندر تل‌آویو پیاده شدند.<sup>۱۶</sup> با مهاجرت یهودی‌ها در جنگ جهانی دوم کمیسر عالی انگلیس در فلسطین دستور داد اقدامات سخت گیرانه‌ای در مقابله با گسترش فعالیت مهاجرت غیرقانونی انجام شود؛ از جمله زندانی کردن مهاجر غیرقانونی به مدت شش ماه به همراه پرداخت جریمه نقدی معادل ۱۰۰ پوند انگلیس و مصادره کشتیهای کوچک که با ظرفیت بار کمتر از ۱۰۰۰ تن باشد و در انتقال مهاجران غیرقانونی مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱۷</sup> دولت فلسطین در اجرای سیاست کتاب سفید سال ۱۹۳۹ تصمیم گرفت که طی شش ماه پس از اکتبر ۱۹۳۹ به دلیل افزایش میزان مهاجرت غیرقانونی به کشور در این مدت، از صدور مجوز مهاجرت خودداری کند. دولت همچنین تصمیم مشابهی برای شش ماه پس از اکتبر سال بعد اتخاذ کرد.<sup>۱۸</sup> آژانس یهود بر این اساس که اشغال لهستان توسط آلمان در نخستین هفته‌های جنگ جهانی دوم اوضاع اغلب یهودی‌های اروپایی را در قبضه دشمن قسم خورده یهودی‌ها قرار داده، خواستار انتقال شمار زیادی از مهاجران لهستانی شد.<sup>۱۹</sup>

به همین خاطر، شکایات آژانس یهود افزایش یافت؛ زیرا دولت قیمومت در مدت اشغال لهستان توسط آلمان و نیز طی ماههای پیش از لشکرکشی نیروهای آلمانی به کشورهای بالکان، صدور مجوز را متوقف کرده بود، و با این اقدام از مشارکت در نجات دادن جوامع یهودی آن مناطق تعلل ورزید. پیش از آغاز جنگ، اداره سیاسی آژانس یهود درخواست انتقال ۲۰۰۰۰ کودک یهودی لهستانی و ۱۰۰۰۰ جوان یهودی منطقه بالکان را ارایه کرده، اما دولت فلسطین در بدو امر به این درخواست پاسخ نداده بود. با آغاز جنگ، دولت اجازه انتقال افراد فراری از آلمان و کشورهای اشغالی را پس از بررسی دقیق گذرنامه آنان توسط افسران انگلیسی گذرنامه در کشورهای بی طرف صادر کرد. به این ترتیب، در نخستین ماههای جنگ، آژانس یهود توانست ۹۶۰۰ یهودی را به طور قانونی از منطقه دشمن انتقال دهد. با وجود این، آژانس یهود افزون بر این افراد، خواستار انتقال همه فراریان به اردوگاههای تجمع که آنها را به سرعت در کشورهای بی طرف احداث کرده بود، شد.<sup>۲۰</sup> دولت قیمومت این درخواست را نپذیرفت، چون مسایل امنیتی ایجاب می کرد که به هر یهودی اجازه مهاجرت از کشور دشمن به فلسطین داده نشود؛ زیرا احتمال داشت که وی مزدور آلمان باشد. آژانس یهود این موضع دولت را بهانه ای برای اتهام آن به طفره رفتن از تامین سهمیه مقرر مهاجرت در کتاب سفید سال ۱۹۳۹ قرار داد.<sup>۲۱</sup> مهاجرت در خارج از فلسطین توسط افسران مهاجرت تابع کنسولگریهای انگلیس در کشورهای انتقال که تحت نظارت کنسول فعالیت می کردند، سازماندهی می شد. شرایط جنگ جهانی دوم این نظام را تغییر داد؛ زیرا هیاتهای دیپلماتیک محل کار خود را در مناطقی که در معرض پیشروی نیروهای محور قرار داشتند، ترک می کردند، به طوری که ارتباط در پشت خطوط دشمن غیرممکن شد. پس از آزادسازی زمینهای تحت تصرف نیروهای محور، مهاجرت به فلسطین در چارچوب فعالیت مشترک کمیسر عالی انگلیس در فلسطین و کنسولگریهای انگلیس در شرق اروپا از یک سو، و فرماندهان نظامی در غرب اروپا از سوی دیگر، انجام می شد که این فعالیت به وسیله مکاتبات مشترک وزارت خانه های مستعمرات، جنگ و امور خارجه انگلیس صورت می گرفت.

چندی بعد، این مکاتبات به منظور ساده کردن آنها، در چارچوب اداره مهاجرت دولت

فلسطین و سفارت خانه های انگلیس در پاریس و رم محدود شد. این فرایند، صدور دستور به هیاتهای دیپلماتیک انگلیس در کشورهای اروپایی را هر از چند گاه الزامی کرد؛ زیرا قانون مهاجرت به فلسطین در خارج از کشور قدرت اجرایی نداشت<sup>۲۲</sup> از دسامبر ۱۹۳۹، دولت انگلیس در صدد تدوین قانون مهاجرت یهودی ها به فلسطین برآمد که تابع ضوابط مشخص و تحمیلی شرایط جنگ بود؛ از جمله تصمیم نپذیرفتن هر آواره یهودی آلمانی یا تبعه مناطق تحت اشغال آلمان و در همان حال، اخراج نکردن اتباع آلمانی که این امر اجازه انتقال دارندگان مجوز مهاجرت به فلسطین را که موفق به ترک آلمان به سرزمینهای متفقین یا کشورهای بی طرف شده بودند، فراهم آورد. زمانی که اروپا سرشار از انبوه یهودیان آلمانی دارنده مجوز مهاجرت به فلسطین شد، دولت انگلیس به ناچار انتقال آنان را نپذیرفت، ضمن آنکه اجازه داد مجوز مهاجرت به فلسطین به مجوزهای دیگری که در اختیار یهودی های پناهنده به دیگر کشورهای بی طرف یا کشورهای متفقین قرار می گرفت، تغییر یابد. در این باره، از آغاز جنگ تا ژوئن ۱۹۴۱، تعداد مجوزهای تبدیل شده به حدود ۱۳۳۶ فقره رسید. هنگامی که جنگ ادامه پیدا کرد، دولت انگلیس دستور داد که در اجرای مقررات نپذیرفتن مهاجرت اتباع کشورهای دشمن یا کشورهای اشغالی به فلسطین سخت گیری نشود تا مهاجرت همسران و کودکان دارنده خویشاوند در فلسطین و همچنین برخی آوارگان یهودی از جمله کارگران، اندیشمندان و روحانیان که به موجب گواهی آژانس یهود مستحق کمک ویژه ای باشند و نیز مسئولان آژانس یهود که پیش از جنگ در آلمان فعالیت کرده و با آغاز آن بازداشت شده بودند، تسهیل شود.<sup>۲۳</sup> آژانس یهود به رغم شرایط جنگ، این برخورد سست انگارانه را فرصتی برای جستجوی روشهای گوناگون به منظور انتقال دادن بیشترین تعداد ممکن از یهودی ها یافت. از این رو، آژانس ضمن ارایه درخواست انتقال دادن تعداد دیگری از یهودی ها، ادعا کرد که بعضی از آنان اتباع فلسطین، و برخی دیگر از آنان همسران اتباع فلسطین یا یهودی های مقیم فلسطین هستند، اما شرایط کسب تابعیت فلسطین را ندارند. اداره سیاسی آژانس یهود به این دلیل که آنان نزد بستگان خود در لهستان رفته و سپس توسط مقامات آلمانی بازداشت شده بودند، خواستار گنجاندن نام این افراد در فهرست مبادله

اتباع میان آلمان و انگلیس شد. لندن منعی در پذیرفتن این درخواست نداشت؛ زیرا آژانس یهود در گزارشی، دولت آلمان را که در راه اجرای این موضوع اشکال تراشی کرده بود، مورد سرزنش قرار داد، چون برلین فقط اجازه می داد مردان و زنانی مبادله شوند که سن آنان بیش از سن سربازی باشد، به ویژه آنکه مقامات آلمانی پی بردند تعداد اتباع آلمانی مشمول طرح مبادله اندک است.<sup>۲۴</sup>

باوجود آمادگی دولت انگلیس برای انجام مبادله یادشده، آژانس یهود در گزارشی، لندن را به نادیده گرفتن نیازهای بشردوستانه متهم ساخت. در اکتبر ۱۹۴۰، رئیس اداره سیاسی آژانس با کمیسر عالی انگلیس در فلسطین دیدار کرد و خواستار انتقال یهودی های گردآمده در بالکان به منظور نجاتشان از جنگ تهاجم قریب الوقوع آلمان به آن جا شد. آنگاه کمیسر عالی پی برد که عاقلانه است صدور بیشتر مجوزهای مهاجرت را تا پایان جنگ به تعویق بیندازد تا فرصت گزینش بهترین گروه از یهودی ها برای مهاجرت به فلسطین فراهم آید. پیش از ائتلاف بلغارستان با کشورهای محور، شماری از جوانان یهودی صهیونیست بلغار با سفیر انگلیس در صوفیه دیدار کردند و به بهانه پیوستن به واحدهای نظامی یهودی تحت امر ارتش سلطنتی انگلستان، خواستار رفتن به فلسطین شدند. سفیر انگلیس به آنان گفت که برایشان سزاوار است به نیروهای مسلح بلغارستان در حال جنگ با آلمان بپیوندند؛ زیرا بوریس پادشاه بلغارستان به وی - یعنی سفیر انگلیس - به طور قاطع تا کید کرده که کشورش تمام توان خود را در کنار متفقین به کار خواهد گرفت.<sup>۲۵</sup> با این همه، آژانس یهود به عمد در پی سودجویی از مهاجرت غیرقانونی به منظور دستیابی به هدف خود برآمد. از این رو، میزان مهاجرت چنان افزایش یافت که باعث شد دولت فلسطین در ۱۳ اوت ۱۹۴۰ تصمیم بگیرد مهاجران غیرقانونی را از پیاده شدن در سواحل فلسطین منع کند و آنان را به قبرس یا هر جای دیگر تبعید نماید تا درباره آنان اقدام مقتضی به عمل آورد.<sup>۲۶</sup> دولت همچنین به ادارات ذی ربط دستور داد که به هنگام ضبط هر کشتی، قایق، هواپیما و خودروی مورد استفاده در انتقال مهاجران غیرقانونی یا مخالفان قانون باید هر کمک دهنده به تسهیل رسیدن آنان به خاک فلسطین، از جمله مالک وسیله نقلیه را به پرداخت ۱۰۰۰ لیره فلسطین جریمه نقدی

یا ۸ سال زندان محکوم کنند.<sup>۲۷</sup>

متقابلاً آژانس یهود در بیانیه‌ای تهدید کرد که از خشونت و تروریسم استفاده خواهد کرد. در بخشی از این بیانیه آمده بود که اگر دولت واقعاً خواهان حفظ صلح در فلسطین باشد، باید این دستور جنجال برانگیز را اجرا نکند. آژانس یهود در بیانیه خود به کارگیری نیروهای هوایی و دریایی سلطنتی برای شکار کشتیهای حامل مهاجران غیرقانونی را محکوم و ادعا کرد که این مهاجران به تنها کشور جهان می‌رسند که در آن دوستانی دارند و فرصتی برای ساختن مجدد زندگی خویش می‌یابند.<sup>۲۸</sup> دولت قیمومت به منظور نظارت بر انتقال مهاجران یهودی دارنده مجوز مهاجرت، تصمیم گرفت چند افسر پلیس فلسطین را به عنوان مأمور به کشورهای انتقال دهنده و به ویژه ایتالیا اعزام کند.<sup>۲۹</sup> شایان ذکر است که تصمیم اخراج در مورد یهودی‌ها و غیریهودی‌ها به یکسان اجرا می‌شد، به طوری که در سالهای ۴۶-۱۹۴۱، تعداد ۱۴۹۹۹ تن از مهاجران غیرقانونی غیریهودی نیز از فلسطین اخراج شدند.<sup>۳۰</sup> آژانس یهود در گزارشی گفت که پیش از آغاز جنگ، چند قایق موفق به رهایی از چنگ نیروهای گارد ساحلی شده و توانسته بودند شماری از مهاجران غیرقانونی را پیاده کنند، اما با آغاز جنگ، این مأموریت خطرناک تر و دشوارتر شد، به گونه‌ای که در نوامبر ۱۹۴۰، دو فروند کشتی که حدود ۱۷۷۱ مهاجر غیرقانونی را حمل می‌کردند، به سواحل فلسطین نزدیک شدند و مقامات انگلیسی آنها را به جزیره موریس تبعید کردند. چندی بعد، کشتی دیگری هم با ۷۰۰ مهاجر غیرقانونی به جزیره موریس تبعید شد و مسافران این کشتی‌ها تا پایان جنگ در این جزیره در بازداشت به سر بردند که آژانس یهود ادعا کرد، بعضی از آنان دارنده مجوز مهاجرت هستند و بعضی دیگر از آنان بستگانی در فلسطین دارند. کشتی مزبور به بهانه تعمیرات در بندرگاه ماند. در ۱۹ ژانویه ۱۹۴۲، آژانس یهود از کنسول انگلیس در استانبول درخواست انتقال همه آنان را کرد. لندن پاسخ داد که با مهاجرت افراد کمتر از ۱۷ سال که تعدادشان به ۳۰۰۰ نفر می‌رسید، موافقت می‌کند و مهاجرت سایر افراد را به دلایل امنیتی به علت آمدنشان از کشورهای تحت اشغال آلمان نمی‌پذیرد. مقامات ترکیه دستور دادند که کشتی استروما باید از بندر خارج شود، کشتی مزبور پس از عزیمت از بندر غرق شد و از مسافران آن

فقط یک تن زنده ماند.<sup>۳۱</sup> در چارچوب تداوم اعتراضات قبلی آژانس یهود که تاثیری بسزا بر نمایندگان مجلس عوام انگلیس داشت و سبب در تنگنا قرار گرفتن دولت شد، دفاتر آژانس یهود در لندن و واشنگتن جنجال بزرگی پیرامون این سانحه برپا کردند،<sup>۳۲</sup> هرچند کمیسر عالی انگلیس در فلسطین دلایل قاطعی در اختیار داشت که می گفت آلمان در هنگام تشدید درگیری با انگلیس، بعضی از مسافران را به خدمت گرفته بود، پیامد حادثه کشتی استروما این بود که دولت انگلیس دستور تساهل با مهاجرت غیرقانونی را صادر کرد. لندن همچنین به روشنی دستور داد که اجازه داده شود هر کشتی حامل مهاجران غیرقانونی که به سواحل فلسطین می رسد، در بندرگاه پهلوبگیرد و مهاجران مستقر در آن بازداشت شوند تا اقدامات امنیتی ویژه ای انجام پذیرد و سپس به آنان اجازه ورود به کشور داده شود.<sup>۳۳</sup> در مه ۱۹۴۱، آژانس یهود درخواست کرد که سه گروه از یهودی های ساکن کشورهای اشغالی و خواهان مهاجرت به فلسطین از این دستور معاف شوند. این سه گروه عبارت بودند از: کودکان، مسئولان ارشد صهیونیست و کارکنان دفاتر فلسطین که تا هنگام از دست رفتن فرصت سفر به فلسطین در محل کار خود مانده بودند. در بهار ۱۹۴۲، لندن فقط با مهاجرت کودکان موافقت کرد، اما بعدها پذیرفت که ۵ درصد مجوزهای مهاجرت را به خاخام ها، پزشکان و تجارت پیشگان منتخب آژانس یهود اختصاص دهد. به این ترتیب، آژانس فهرست اسامی این افراد را تنظیم می کرد، دولت فلسطین آن را برای دولت انگلیس می فرستاد، لندن نیز از طریق سازمان صلیب سرخ به منظور دریافت مجوز مهاجرت آنان به فلسطین، با دولتهای تحت اشغال نیروهای محور تماس می گرفت. آژانس یهود با نوشتن نام چند هزار نفر از یهودی ها در آن فهرست، ادعا کرد که آنان بستگانی در فلسطین دارند. این افراد در سالهای ۴۳ - ۱۹۴۲ از طریق سازمان صلیب سرخ به فلسطین مهاجرت کردند. در اواخر سال ۱۹۴۳ آمار اداره مهاجرت دولت قیمومت نشان داد که جمع مهاجران قانونی یهودی که احتمال می رفت طبق سیاست کتاب سفید سال ۱۹۳۹، جذب آنان در طی پنج سال تا ۳۱ مارس ۱۹۴۴ انجام شود، به ۷۵۰۰۰ نفر نرسیده است. وزیر مستعمرات در بیانیه ای که در ۱۰ نوامبر ۱۹۴۳ در مجلس عوام قرائت کرد، گفت که «شرایط جنگ این کمبود را به وجود آورده و سد راه تحقق

برنامه مصوب کتاب سفید شده است. تعداد یهودی هایی که تا آخر سپتامبر ۱۹۴۳ از راههای قانونی و غیرقانونی وارد فلسطین شده اند، به ۴۳۹۲۲ مهاجر می رسد. به همین خاطر، دولت باید تا پیش از مارس ۱۹۴۴ با ورود ۳۱۰۷۸ یهودی دیگر موافقت کند. ارقام نهایی مهاجران در آن تاریخ چنین بود:

تعداد مهاجر مجاز بر طبق سیاست کتاب سفید ۷۵۰۰۰، مهاجر قانونی ۳۱۲۲۱، مهاجر غیرقانونی ۱۹۹۶۵۶، جمع مهاجران ۵۱۱۸۶۶، کسری ۲۳۸۱۴.<sup>۳۴</sup> در مارس ۱۹۴۴، آژانس یهود پیشنهادهایی را درباره ادامه مهاجرت یهودی ها به فلسطین پس از پایان مدت مقرر در کتاب سفید سال ۱۹۳۹ به دولت انگلیس ارایه کرد. به علاوه، نمایندگان آژانس یهود چند بار با وزیر مستعمرات انگلیس به منظور بحث و بررسی این پیشنهادها ملاقات کردند.<sup>۳۵</sup> هر چند کتاب سفید شرط گذاشته بود که پس از ۳۱ مارس ۱۹۴۴ اجازه مهاجرت یهودی ها صادر نمی شود، مگر آنکه مردم فلسطین با آن موافقت کنند، پاسخ مورخ ۵ آوریل وزارت مستعمرات به آژانس یهود شامل نکات زیر بود:

۱. میزان پیش بینی برای مهاجرت پس از ۳۱ مارس به رقم ۱۹۵۰۰ نفر نزدیک می شود، اما بیشتر این تعداد جزو سهمیه های صادره در هنگام جنگ قرار دارد؛
۲. مسئولان قیمومت از ژوئیه تا سپتامبر ۱۹۴۳ حدود ۱۸۷۰۰ مجوز مهاجرت را صادر کردند که خارج از چارچوب کتاب سفید سال ۱۹۳۹ است؛
۳. آژانس یهود نمی تواند از سهمیه های صادره پس از سپتامبر ۱۹۴۳ استفاده کند، زیرا مدت اعتبار آنها شش ماه پس از تاریخ صدور باطل می شود؛
۴. تعداد باقی مانده پس از ۳۱ مارس ۱۹۴۴ به عنوان ذخیره برای آوارگان در کشورهای دشمن یا کشورهای اشغالی اختصاص می یابد؛
۵. سهمیه هایی برای انتقال یهودی ها از دیگر کشورها صادر نمی شود، اما ضمن مراعات قدرت جذب کشور، ممکن است تعداد محدودی مجوز برای انتقال یهودی ها از کشورهای نجات اختصاص یابد.

در ۱۶ آوریل ۱۹۴۴، آژانس یهود پیشنهادهای تازه ای ارایه کرد که موارد زیر را

در برمی گرفت :

۱. مجوزهای استفاده نشده که به ۱۸۷۰۰ فقره می‌رسد نباید باطل شوند، بلکه اعتبار آنها باید تمدید شود؛

۲. مجوز مهاجرت در اختیار یهودی‌های فراری از کشورهای دشمن یا کشورهای آزاد شده توسط ارتش انگلیس قرار داده شود؛

۳. از آوریل تا ژوئن ۱۹۴۴ حدود ۶۰۰۰ مجوز مهاجرت برای یهودی‌های مقیم کشورهای نجات که به خاطر شرایط جنگ، انتقال آنان به فلسطین هنوز دشوار است، اختصاص یابد؛

۴. آوارگان یهودی مستقر در جزیره موریس مجوز مهاجرت به فلسطین دریافت کنند.

در ۱۵ مه ۱۹۴۴، وزارت مستعمرات انگلیس در تلافی افزایش عملیات تروریستهای یهودی در فلسطین، پیشنهادهای آژانس یهود را مردود شمرد، اما چندی بعد، آنها را اصلاح و موافقت کرد که مجوزهای مهاجرت را برای یهودی‌های کشورهای نجات که انتقال آنان به فلسطین به علت شرایط جنگ ممنوع بوده است، ذخیره کند. وزارت مستعمرات همچنین پذیرفت که تعداد دیگری مجوز را برای یهودی‌های کشورهای آزاد شده یا کشورهایی که از اشغال نازی‌ها آزاد خواهد شد، اختصاص دهد، به شرط آنکه تعداد آنان از شمار مهاجران مندرج در کتاب سفید سال ۱۹۳۹ فراتر نرود.<sup>۳۶</sup> با وجود این، آژانس یهود در ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۴ پیشنهادهای تازه‌ای را مطرح کرد که شامل تجدید نظر در ذخیره مجوز مهاجرت یهودی‌های ساکن مناطق تحت اشغال آلمان بود، تازمانی که روشن شود تعداد اندکی از آنان می‌توانند مناطق محل استقرار خود را ترک کنند. وزارت مستعمرات پاسخ داد که اختصاص دادن ۱۰۳۰۰ مجوز مهاجرت برای آوارگان یهودی کشورهای بالکان، ایتالیا، فرانسه، سوئیس، هلند، عدن و ترکیه را می‌پذیرد، به شرط آنکه از اول اکتبر ۱۹۴۴ اجازه ورود ماهیانه بیش از ۱۵۰۰ مهاجر داده نشود و همچنین از اول ژانویه ۱۹۴۵ باتوجه به اوضاع موجود، در این میانگین ماهیانه تجدید نظر به عمل آید.<sup>۳۷</sup> به این ترتیب، با انجام این اقدام تعداد مهاجران یهودی به فلسطین به ۷۵۰۳۱ نفر در سالهای ۴۴ - ۱۹۳۹ افزایش یافت<sup>۳۸</sup> و

از رقم مندرج در کتاب سفید سال ۱۹۳۹ فراتر رفت، در حالی که یک سال قبل بسیار کمتر بود.

در آوریل ۱۹۴۳، دولت سوئد با انجام مذاکراتی با دولت آلمان، پیشنهاد کرد که ۲۰۰۰۰ کودک یهودی آلمانی به سوئد انتقال داده شوند. دولت آلمان این پیشنهاد را رد نکرد، اما شرط گذاشت که پس از پایان جنگ، به وضعیت این کودکان رسیدگی شود. انگلیس و آمریکا در دادن ضمانت مطلوب تعلل کردند.<sup>۳۹</sup> آژانس یهود نیز علاقه‌ای به این موضوع نشان نداد؛ چون فعالیت خود را در درجه اول بر انتقال افراد قادر به کار در فلسطین متمرکز کرده بود. مسئولان آژانس یهود ناخرسندی خود را از تعلل ورزی متفقین در اتخاذ موضعی جدی در برابر انتقال یهودی‌هایی که در معرض سرکوب نازی‌ها قرار می‌گرفتند، ابراز داشتند؛ زیرا در اواخر سال ۱۹۴۲، گزارش‌های رسیده نشان می‌داد که یهودی‌های میانه و شرق اروپا در معرض قتل عام قرار دارند. با وجود این، متفقین فقط در ۱۷ دسامبر ۱۹۴۲ اظهار داشتند که این مسئله توجه برانگیز شده است، بی‌آنکه هیچ یک از آنها به یهودی‌ها اجازه ورود به خاک خود را بدهند. آژانس یهود این موضع‌گیری متفقین را فرصتی برای انتقال همه یهودی‌های ساکن مناطق تحت اشغال آلمان به فلسطین یافت.<sup>۴۰</sup> هنگامی که روزولت، رئیس جمهور آمریکا، علاقه‌ای به مسئله ثبات سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا نشان داد، مشکل آوارگان یهودی آشکار شده بود؛ زیرا صهیونیست‌ها در چارچوب تأثیر بر افکار عمومی آمریکا به منظور گشودن دروازه‌های فلسطین به روی مهاجرت نامحدود یهودی‌ها، موفق شدند مشکل یهودی‌های ساکن کشورهای تحت اشغال آلمان را بزرگ جلوه دهند. سفیر انگلیس در واشنگتن نیز از دولت آمریکا درخواست کرد که با کشورش به منظور مقابله با مشکل ستم دیدگان اروپا همکاری کند.<sup>۴۱</sup> در آوریل ۱۹۴۳، اجلاس برمودا به منظور بررسی مشکل آوارگان یهودی برگزار شد. پیشنهادهایی که صهیونیست‌ها می‌باید به اجلاس ارائه می‌کردند به ویژه دیدگاه آژانس یهود نسبت به کتاب سفید سال ۱۹۳۹، در تلگرام‌های کمیته اجرایی آژانس یهود به دفتر آژانس در لندن و همچنین به حیم وایزمن که در آن برهه در نیویورک به سر می‌برد، مشخص شد.<sup>۴۲</sup> معلوم شد که انگلیس و آمریکا هیچ یک نمی‌خواهند در حل مشکل

آوارگان یهودی از راه پذیرفتن مهاجرت آنان به خاک کشورشان، مشارکت کنند.<sup>۴۳</sup> به همین علت، نمایندگان هر یک از دو کشور یادشده موضعی منفی در برابر پیشنهادهای حل این مشکل گرفتند. همچنین هیات انگلیسی سیاست کتاب سفید را به عنوان اصلی اساسی برای ثبات اوضاع فلسطین شمرد. وزیر امور خارجه آمریکا نیز بهانه آورد که چون کنگره آمریکا به تنهایی سیاست کشور در زمینه پذیرش مهاجران تازه را بررسی و تصویب می کند، وی مطالبی در این باره ابراز نمی کند. اجلاس برمودا گسترش پایگاه کمیته مشترک آوارگان، تامین بودجه به منظور فعال کردن آن و طرح اسکان آوارگان در جزیره ماداگاسکار را تصویب کرد که هیات صهیونیستی آن را نپذیرفت.

آژانس یهود طرحی را تنظیم کرد که به موجب آن ۱۰۰۰۰۰ یهودی پس از جنگ جهانی دوم به فلسطین منتقل شوند، از جمله ۲۰۰۰۰ کودک و چند هزار نفر دیگر که به ادعای آژانس یهود در فلسطین خویشاوند داشته اند. در پی شروع محاصره آلمان توسط متفقین، آژانس یهود طرحهایی تفصیلی به دولت فلسطین ارائه کرد که با استناد به آنها مدعی شد اسکان این تعداد چشمگیر از آوارگان یهودی در فلسطین امکان پذیر است.<sup>۴۴</sup> دفاتر آژانس یهود در کشورهای اروپایی چند گزارش را درباره مشخص کردن تعداد آوارگان آن کشورها تهیه نمودند که استقرار بیش از ۲۵۰۰۰۰ آواره یهودی در کشورهای آزاد شده در میانه و شرق اروپا و اتحاد شوروی را نشان می داد. روشن بود که سیاست کتاب سفید سال ۱۹۳۹ اجازه انتقال همه این افراد را نمی داد و راهی برای حل مشکل آنان وجود نداشت، مگر آنکه لندن تحولی ریشه ای در آن سیاست انجام دهد. از این رو، آژانس یهود در ۱۸ ژوئن ۱۹۴۵ ضمن تقدیم درخواستی به کمیسر عالی انگلیس در فلسطین، مدعی شد در پی بررسی و مطالعه مسایل مسکن و غذا، می توان ۱۰۰۰۰۰ یهودی از جمله ۲۵۰۰۰ کودک یتیم، ۴۶۰۰۰ نفر قادر به کار و ۳۵۰۰۰ نفر تحت تکفل را به فلسطین منتقل کرد.<sup>۴۵</sup> دولت فلسطین به این درخواست آژانس یهود پاسخ مثبت نداد. دولت حزب کارگر به ریاست بوین نیز با وجود مخالفت نمایندگان حزب کارگر در مجلس عوام با مفاد کتاب سفید به هنگام طرح کتاب یادشده در سال ۱۹۳۹، موضعی پیش بینی نشده از دیدگاه آژانس یهود اتخاذ کرد. این

موضع واکنش گسترده ای در میان محافل صهیونیستی آمریکا داشت،<sup>۴۶</sup> ضمن اینکه آژانس یهود نیز از آن به منظور تشویق ترومن، رئیس جمهور آمریکا، به حمایت از موضع آژانس در مقابله با پایبندی دولت حزب کارگر به سیاست کتاب سفید و حتی متهم ساختن لندن به چشم پوشی کامل از اصل تشکیل موطن ملی یهود در فلسطین بهره گیری کرد. با این همه، در مه ۱۹۴۵، دولت حزب کارگر مجوز مهاجرت ۳۰۰۰ یهودی را صادر کرد. به این ترتیب، شمار رسمی مهاجران یهودی تا آخر دسامبر به این شرح شد:

|                                                                       |             |
|-----------------------------------------------------------------------|-------------|
| الف. سهمیه سالانه به میزان ۱۰۰۰۰ مجوز برای مدت ۵ سال                  | ۵۰۰۰۰ مجوز  |
| ب. مجوزهای اضافه                                                      | ۲۵۰۰۰۰ مجوز |
| جمع                                                                   | ۷۵۰۰۰ مجوز  |
| تعداد دریافت کنندگان مجوز مهاجرت از اوایل آوریل ۱۹۳۹ تا آخر مارس ۱۹۴۶ | ۶۷۰۰ نفر    |

#### تعداد مهاجران طی مدت اول آوریل ۱۹۳۹ تا آخر دسامبر ۱۹۴۵

|                   |           |
|-------------------|-----------|
| مهاجران قانونی    | ۵۴۷۲۷ نفر |
| مهاجران غیرقانونی | ۲۰۳۰۴ نفر |
| جمع               | ۷۵۰۳۱ نفر |
| مازاد             | ۳۱ نفر    |

در اوایل سال ۱۹۴۶ نیز دولت اجازه داد که ماهیانه ۱۵۰۰ مهاجر وارد کشور شوند.<sup>۴۷</sup> با وجود این، موشه اسیکرن خاطرنشان می سازد که تعداد مهاجران یهودی به فلسطین در طی سالهای ۴۵ - ۱۹۳۹ به ۹۲۰۰۰ نفر رسید.<sup>۴۸</sup> در صورت درست بودن این رقم، تعداد مهاجران اضافی در طی چند ماه تقریباً به ۱۷۰۰۰ تن می رسید و این به علت مهاجرت غیرقانونی بود. ترومن با درخواست آژانس یهود موافقت کرد، به ویژه پس از مطالعه گزارش اریل هادیسون درباره اوضاع آوارگان یهودی در کشورهای اروپایی. به همین خاطر، وی در سپتامبر ۱۹۴۵ از دولت انگلیس خواست که مجوز مهاجرت شمار آوارگان مورد درخواست

آژانس را صادر کند.<sup>۴۹</sup> این تعداد همان تعداد پیشنهادی در گزارش هادیسون بود. پس از آنکه ترومن اجازه پخش این گزارش را به همراه نامه‌ای که در اواخر ماه قبل برای ژنرال آیزنهاور فرستاده بود، صادر کرد، سناتور گیلبرت گزارش هادیسون را به همراه نامه مزبور منتشر ساخت. در این نامه، رییس جمهور آمریکا به ژنرال آیزنهاور دستور داده بود اقداماتی را اتخاذ کند که باعث حل و فصل مسئله آوارگان یهودی در اروپا شود. ترومن در نامه خود افزود که «با دولت انگلیس درباره موضوع گشودن دروازه‌های فلسطین برای بی‌پناهان خواهان مهاجرت به آن جا به طور مستقیم تماس داشته است.»<sup>۵۰</sup> تلاش‌های ترومن باعث تشکیل کمیسیون مشترک انگلیس و آمریکا شد. وی در ۱۳ نوامبر ۱۹۴۵، با اعلام تشکیل این کمیسیون گفت که «دولتش مصمم است با عرب‌ها در زمینه تداوم مهاجرت یهودی‌ها به فلسطین به میانگین ماهیانه ۱۵۰۰ مهاجر تا زمان اعلام گزارش کمیسیون گفتگو کند.»<sup>۵۱</sup>

گزارش کمیسیون یادشده که در آوریل ۱۹۴۶ اعلام شد، تاکید کرد که فلسطین به تنهایی قدرت جذب مهاجران یهودی رنج دیده از سرکوب نازی‌ها و فاشیست‌ها را ندارد، و توصیه نمود که همه جهان مسئولیت اسکان یهودی‌ها را به عهده گیرد. به همین علت، کمیسیون انگلیس و آمریکا توصیه کرد که انگلیس و آمریکا با مشارکت دیگر کشورها در پی یافتن موطن‌های دیگری برای یهودی‌ها باشند. این کمیسیون، ضمن آنکه خاطرنشان ساخت تعداد زیادی از آوارگان یهودی باید در کشورهای اروپایی ماندگار شوند، اعتراف کرد که فرایند مهاجرت می‌تواند مشکلات برخی قربانیان نازیسم را برطرف کند. گزارش کمیسیون تاکید کرد دولتهایی که لندن و واشنگتن را در یافتن موطنی برای یهودی‌ها یاری دهند، ناگزیر نخواهند شد مقررات مهاجرت را به طور دائمی تغییر دهند. با وجود این، کمیسیون انگلیس و آمریکا به فلسطین ستم کرد؛ زیرا توصیه نمود که با مهاجرت ۱۰۰۰۰۰ یهودی به این کشور موافقت شود. استدلال کمیسیون این بود که شمار قربانیان یهودی نازیسم و فاشیسم بسیار بیشتر از این رقم است؛ چون تعداد آوارگان یهودی فقط در آلمان، اتریش و ایتالیا از این رقم بیشتر است و آنان باگذشت قریب یک سال از آزادی این کشورها از سلطه نازی‌ها و فاشیست‌ها هنوز در اردوگاه به سر می‌برند. شگفت‌آور این است که گزارش کمیسیون تصریح

کرد اگر پی نمی برد قوانین بیشتر کشورها به گونه ای تصویب شده که مهاجرت یهودی ها را محدود می سازد، این توصیه را نمی کرد. این گزارش تاکید کرد که حتی یک کشور را پیدا نکرده است که اکثریت مطلق مهاجران را به سوی آن هدایت کنند، مگر فلسطین، یعنی کشوری که بیشتر یهودی ها خواهان مهاجرت به آن جا بوده اند. پس ضروری است که فرصت تحقق خواسته آنان در نزدیک ترین زمان ممکن فراهم آید. کمیسیون در گزارش خود اقرار کرد که مهاجرت این تعداد چشمگیر از یهودی ها می تواند بار سنگینی بر دوش فلسطین بگذارد، اما امیدوار بود که مسئولان قیمومت با همکاری کامل آژانس یهود، این مسئولیت را کاملاً به عهده گیرند. با وجود این، کمیسیون یادشده پیش بینی کرد که دولت فلسطین هنگام اجرای فرایند مهاجرت با مشکلات متعددی مواجه شود، اما آنچه از سنگینی این بار می کاهد، کمک چند سازمان عمومی و خصوصی اروپاست که در صدر آنها آژانس امداد آوارگان وابسته به سازمان ملل متحد قرار دارد. همچنین انتظار می رود دولت ایالات متحده به همراه دولت اعلی حضرت پادشاه انگلیس سخاوتمندانه کمک کند، به ویژه آنکه دولت آمریکا علاقه بسیاری به این موضوع نشان داده است.<sup>۵۲</sup> دلایل کمیسیون انگلیس و آمریکا برای توجیه مهاجرت ۱۰۰۰۰۰ یهودی به فلسطین منطقی نبود و سزاوار بود که خواستار بازگرداندن آوارگان یهودی به کشورهایشان یا پخش آنان در کشورهای دارنده قدرت جذب می شد، چون همین بس که فلسطین در سالهای ۴۶-۱۹۲۰ و بر اساس گزارش خود دولت انگلیس ۴۱۴۴۵۶ مهاجر را پذیرفت که ۳۷۶۴۱۵ نفر از آنان یهودی بودند.<sup>۵۳</sup>

پس از پایان جنگ جهانی دوم، متفقین اردوگاههای آوارگان یهودی در اروپا را برچیدند، بی آنکه این اقدام با بازگرداندن آوارگان به کشورهای اصلی خود مقارن باشد. در همان حال، محدودیت مهاجرت آنان به آمریکا یا دیگر کشورها همچنان ادامه داشت که این امر حدت مشکل را افزایش داد. اتلی در مجلس عوام انگلیس به توصیه کمیسیون انگلیس و آمریکا پاسخ داد و گفت که «پیش از موافقت دولت با این خواسته، ضروری است که از میزان آمادگی دولت ایالات متحده در مشارکت برای تقبل بار احتمالی نظامی و مالی مهاجرت اطمینان پیدا کند. به علاوه، بی درنگ پیش از ورود این تعداد مهاجران یهودی، عرب ها و

یهودی‌ها باید خلع سلاح شوند.<sup>۵۴</sup> در حالی که دولت انگلیس در سپتامبر ۱۹۴۵ به مهاجران غیرقانونی یهودی که توسط مسئولان قیمومت به جزیره موریس تبعید شده بودند اجازه بازگشت به فلسطین را داد، یک گزارش رسمی دولت انگلیس خاطر نشان می‌سازد که از آن هنگام میزان مهاجرت غیرقانونی فزونی گرفت و در پی تصمیم سران یهودی‌های فلسطین به افزایش این نوع مهاجرت و مقاومت در برابر عملیات دولت در مورد جستجوی اسلحه و مهاجران غیرقانونی در شهر کهای یهودی نشین، مقامات دولتی باردیگر در برخورد با مهاجرت غیرقانونی سختگیری کردند.<sup>۵۵</sup> اقدامات دولت شامل اعزام گشتیهای منظم ناوها و ناوچه‌های نیروی دریایی سلطنتی بود<sup>۵۶</sup> که با پاسگاه‌های زمینی گارد ساحلی همکاری می‌کردند.<sup>۵۷</sup> با وجود این، مهاجرت غیرقانونی از طریق سواحل فلسطین ادامه یافت. به علاوه، طولانی بودن مرزهای فلسطین که در شمال و جنوب آن موانعی طبیعی وجود نداشت، کارآیی گارد مرزی را کاهش داد، هرچند سختی سفر از جنوب (مصر) و از شمال (سوریه و لبنان) یک عامل مساعد قلمداد می‌شد، زیرا آمار گویای سرازیر شدن بیشتر مهاجران غیرقانونی یهودی از طریق خاک سوریه و لبنان بود. دولت فلسطین برای مبارزه با این پدیده از گشتیهای نظامی به منظور تقویت گارد مرزی استفاده کرد.<sup>۵۸</sup> با این حال، مهاجرت غیرقانونی به کشور همچنان ادامه یافت. به هنگام جنگ جهانی دوم، مهاجران از پیشگامان و آوارگان یهودی نجات یافته از سرکوب نازی در پی اعلام کتاب سفید سال ۱۹۳۹ تشکیل می‌شدند. پس از این جنگ، اغلب مهاجران یهودی به فلسطین از مهاجران غیرقانونی بودند. به همین علت، برآورد دقیق تعداد آنان دشوار است، اما به طور تقریبی حدود ۶۱,۰۰۰ مهاجر برآورد شدند.

ارقام زیر، تعداد مخاجران به فلسطین در سالهای ۱۹۴۴-۱۹۳۹ را نشان می‌دهد:<sup>۵۹</sup>

| سال           | ۱۹۳۹ | ۱۹۴۰ | ۱۹۴۱ | ۱۹۴۲ | ۱۹۴۳ | ۱۹۴۴  |
|---------------|------|------|------|------|------|-------|
| تعداد مهاجران |      | ۴۵۴۷ | ۳۶۴۷ | ۲۱۹۴ | ۸۵۰۷ | ۱۴۴۶۴ |

توزیع جمعیت فلسطین بر حسب ادیان، طبق برآورد سال ۱۹۴۶ کمیسیون یونسکوپ

به شرح زیر بود:<sup>۶۰</sup>

| مسلمان  | مسیحی  | یهودی  | دیگران | جمع     |
|---------|--------|--------|--------|---------|
| ۱۰۷۶۷۸۳ | ۱۴۵۰۶۳ | ۶۰۸۲۲۵ | ۱۵۴۸۸  | ۱۸۴۵۵۵۹ |

کمیسیون یونسکوپ پیش بینی کرد که در سال ۱۹۶۰، این توزیع در صورت روی ندادن مهاجرت یا کوچ به شرح زیر خواهد شد:

| مسلمان  | مسیحی  | یهودی  | دیگران | جمع     |
|---------|--------|--------|--------|---------|
| ۱۵۳۳۰۰۰ | ۱۷۶۰۰۰ | ۶۶۴۰۰۰ | ۲۱۰۰۰  | ۲۳۹۴۰۰۰ |

با وجود این، فرایند یهودی کردن فلسطین به پیش رفت، به طوری که شمار جمعیت فلسطین در سال ۱۹۴۸ قریب ۲۰۶۵۰۰۰ نفر از جمله ۱۴۱۵۰۰۰ عرب و ۶۵۰۰۰۰ یهودی شد.<sup>۶۱</sup> همچنین در سال ۱۹۶۰، توزیع جمعیت نسبت به برآورد قبلی یونسکوپ تغییر یافته، به شرح زیر شد:<sup>۶۲</sup>

| مسلمان | مسیحی | یهودی   | دیگران | جمع     |
|--------|-------|---------|--------|---------|
| ۱۶۶۳۰۰ | ۴۹۶۰۰ | ۱۹۱۱۳۰۰ | ۲۳۳۰۰  | ۲۱۵۰۵۰۰ |

## پاورقیہا:

1. Gt. Brit., C.O., Palestine, Statment of Policy, Presented by the Secretary of State for the Colonies to Parliament by Command of His Majesty, May 1939, London, HMSO, Cmd.6019.
2. Jewish Agency for Palestine, Some Leagul Aspect of the Jewish Case, the Memorandum Submitted to the UNSCOP, Jerusalem, 1947, pp. 3-4.
3. J.A. for Palestine, Memorandum Submitted to the Permanent Mandates Commission, June, 1933.
4. Report by His Majest's Government ... for the year 1933, p. 35.
5. Report by His Majest's Government ... for the year 1934, p. 42.
6. Z.O., Report to the XIXZ. Congeress, 1935, pp. 294-295.
7. The Palesine Post, 1-12-1936, p. 1.
8. Jewish Chronicle, 4-12-1936, p. 15.
9. عیسیٰ السفری، فلسطین العربیة بین الانتداب والصهیونیة، سجل عام لقضية فلسطین فی عشرين عاماً، یافا، ص ۲۲۱-۲۲۳.
10. J.A. for Palestine, *Observations on the Supplementary Memorandum*, Jerusalem, 1947, pp. 10-11.
11. C.O. 733/3923, Political Report by Prof. S. Brodetsky, p. 8.
12. C.O. 733/393, List of Panamian Ships Engaged in the Traffic in Illegal Immigration to Palestine.
13. *A Survey of Palestine*, Vol. I, pp. 214-215.
14. Ibid., p. 209.
15. C.O. 733/393, H.C. to Secretary of State of Colonies, No. 450, 23-4-1939.
16. C.O. 733/393, Officer of Administrating the Government of Palestine to Secretary of State for Colonies, No. 1622, 22-8-1939.
17. *Jewish Chronicle*, 24-3-1940, p. 12.
18. Z.O., Report to the XXIIZ. Congress, 1946. p. 77.
19. Ibid., p. 73.
20. Ibid., p. 77.
21. Ibid., p. 74.
22. *A Survey of Palestine*, Vol. I, pp. 165-169.
23. Ibid., pp. 175-179.
24. Z.O., Report to the XXIIZ. Congress, 1946, p. 83.
25. Ibid., p. 78.
26. Report to the General Assembiy, By the UNSCOP, 1947, p. 73.
27. Government of Palestine, *Supplement to Survey of Palestine, Notes Compiled for the Information of the UNSCOP*, June 1947, p. 23.
28. Z.O. Report to the XXIIZ. Congress, 1946, p. 138.
29. *A Survey of Palestine*, Vol. I, pp. 214-215.
30. Government of Palestine, Supplement to Survey ... p. 23.
31. Z. O., Report to the XXIIZ. Congress, 1946, p. 81.

32. Ibid., p. 7.
33. Ibid., p. 81.
34. *A Survey of Palestine*, Vol. I, p. 180.
35. Ibid., p. 181.
36. Ibid., p. 182.
37. Ibid., p. 183.
38. Ibid., p. 184.
39. Z.O., Report to the XXIIZ. Congress, 1946, p. 82.
40. Ibid., p. 83.
41. C.O. 733/448, Viscount Halifax to High Commissioner, No. 618/43, 10-1-1943.
42. C.O. 733/436, Palestine to Secretary of State for Colonies, No. 443, 14-4-1943.
43. C.O. 733/466, High Commissioner to Under Secretary of State Colonial Office, No. (G972/80883), 5-4-1943.
44. Z.O., Report to the XXIIZ. Congress, 1946, p. 75.
45. Ibid., pp. 86-87.
46. *The Middle East*, 1948, Eurone Publication Ltd., London, N.D., p. 146. 61.
47. Z.O., Report to the XXIIZ. Congress, 1946, p. 75.
48. *A Survey of Palestine*, Vol. I, p. 183.
49. Moshe Sicon, *Immigration to Israel 1948-1953*, Jerusalem: 1957, p. 21.
50. Z.O., Report to the XXIIZ. Congress, 1946, p. 87.
51. *A Survey of Palestine*, Vol. I, p. 80.
52. Z.O., Report to the XXIIZ. Congress, 1946, p. 87.
53. Anglo American Committee for Inquiry, Report to the United States Government and His Majesty's Government in the United Kingdom, Lausanne, April, 20, 1946, Department of State Publications, 2536, pp. 1-4.
54. *A Survey of Palestine*, Vol. I, p. 17.
55. Ibid., p. 196.
56. Ibid., p. 81.
۵۶. شامگاه اول نوامبر ۱۹۴۵، تروریستهای صهیونیست سه تا از چهار فروند ناوچه نیروی پلیس فلسطین را منهدم ساختند، در حالی که دو فروند ناوچه دیگر مأموریتهایی جز مبارزه با مهاجرت غیر قانونی را انجام می دادند، تا اواخر سال ۱۹۴۵، ناوچه های جدیدی جایگزین ناوچه های منهدم شده نگردید.
۵۷. شامگاه ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵، تروریستهای صهیونیست به دو پاسگاه از این چهار پاسگاه حمله بردند و آنها را با مواد منفجره کاملاً با خاک یکسان کردند.
58. *A Survey of Palestine*, Vol. I, p. 215.
59. Ibid. p. 185.
60. Report to General Assembly by the UNSCOP, op.cit., p. 16.
61. Sami Hadawi, *Land Ownership in Palestine*, N.Y: 1957, p. 7.
۶۲. احمد الحجاج، سکان اسرائیل - تحلیل و تنبؤات، بیروت مرکز ابحاث، ۱۹۸۶، ص ۱۳۵.